

صحیفة الزهراء علیه السلام

[28] از برخی از روایات استفاده می شود که در لحظات احتضار امیر المؤمنین (علیه السلام) در خانه حضور نداشت، فقط اسماء در خانه بود، و پس از آنکه از دنیا رفتند، امام حسن و حسین (علیهما السلام) وارد خانه شدند و گفتند: اسماء مادر ما هیچ وقت در این ساعت نمی خوابید، او گفت: ای فرزندان رسول خدا مادر شما خوابیده بلکه از دنیا رفته است. با شنیدن این سخن فریاد کودکان برخاست و بروی مادر افتادند، و با او به سخن گفتن پرداختند، اسماء از آنان خواست که پدرشان را که در مسجد حضور داشت آگاه سازند، حضرت علی (علیه السلام) در کنار همسر وفادارش قرار گرفت و گفت: بعد از این به چه کسی خود را تسلی دهم. فریاد گریه و شیون تمام مرد وزن مدینه را فرا گرفت، همانند روزی که پیامبر اسلام از دنیا رفت، مردم در انتظار بودند که جنازه را تشییع و برآن نماز گذارند، امام تشییع را به تأخیر انداخت تا به وصیت همسر عمل نماید. هنگامی که دیدگان در خواب رفت و صداها به خاموش گرائید امام آن بدن نحیف را که مصیبت های فراوان آنرا چون هلال ماه خمیده ساخته بود را غسل داد، و درون کفن جای داد، و او را با حنوط بهشتی که پیامبر داده بود حنوط کرد. پس از مراسم به فرزندان فرمود: ای حسن ای حسین ای زینب و ای ام کلثوم بیائید و با مادرتان خدا حافظی کنید که وقت جدائی رسیده، تا بار دیگر در بهشت با وی ملاقات و دیدار نمائید. کودکان که منتظر چنین فرصتی بودند بسرعت آمده و خود را روی آن بدن پاک افکندند، آنگونه که پروانه روی شمع می افتد، با صدائی آهسته
